

دریچه

۶۰درصد روستاهای رودبار کرمان فاقد آب سالم

■ **مهر:** به دلیل خشکسالی و نبود شبکه آب آشامیدنی، ۶۰درصد روستاهای رودبار در جنوب کرمان فاقد آب بهداشتی هستند و ساکنان این روستاها آب مورد نیاز خود را از چشمه‌ها و چاه‌های آب غیربهداشتی تامین می‌کنند.

خشکسالی و نبود زیرساخت‌های لازم در مناطق جنوبی کرمان موجب بروز مشکلاتی در تامین آب مناطق روستایی شده و این بار مشکلات در شهرستان رودبار جنبه پررنگ‌تری به خود گرفته است.

عدم بارش باران در سال‌های اخیر بسیاری از منابع در دسترس را خشک کرده و از سوی دیگر در بسیاری از روستاها نیز زیرساخت لازم برای آبرسانی بهداشتی در دسترس نیست یا به دلیل کمبود بودجه حتی آبرسانی سیار نیز با مشکلاتی مواجه شده است. طبق آمار منتشرشده ۶۰درصد روستاهای شهرستان رودبار جنوب کرمان فاقد آب آشامیدنی مناسب هستند که صدها خانوار روستایی را ششامل می‌شود. این درحالی است که مسوولان مربوطه در استان گفته‌اند با احداث مجتمع‌های آبرسانی در حال رفع مشکل این روستاها در جنوب کرمان هستند، اما در واقع همچنان بیشترین روستاهای فاقد آب آشامیدنی بهداشتی در این مناطق قرار دارد. پس از سفر هیات دولت به مناطق جنوبی کرمان و آشکار شدن اوج محرومیت منطقه، ستادی تحت عنوان ستاد راهبردی جنوب کرمان تشکیل شد و در نهایت تصمیم گرفته شد، این ستاد جلسات خود را در جنوب کرمان و تهران به صورت مستمر تشکیل دهد و در راستای محرومیت زیادی در این مناطق گام بردارد که در سال‌های ابتدای این امر روی داد و اقدامات چشمگیری نیز در بخش‌های مختلف صورت گرفت که به دلیل اوج محرومیت جنوب کرمان برخی از این اقدامات به چشم نیامد و همچنان نیازها بر امکانات چیره هستند. هم‌اکنون نیز فعالیت این ستاد کم رنگ شده و گویی محرومیت از دید مسوولان از مناطق جنوب کرمان رخت بر بسته است اما حقیقت آن است که اوج محرومیت تاریخی جنوب کرمان که طی دهه‌های اخیر روی داده نیاز به سال‌ها تلاش و کار دارد تا گوشه‌هایی از امکاناتی که در سایر مناطق کشور هزینه شده است برای مردم محروم جنوب کرمان نیز مهیا شود.

یکی از مظاهر محرومیت در جنوب کرمان و به‌خصوص شهرستان رودبار استفاده ۶۰درصد روستایان این شهرستان از آب غیربهداشتی است که موجب بروز بیماری‌های مختلف و کاهش شدید سطح بهداشت شده و مشکلات در این بخش آنچنان ریشه دوانده که به دلیل کمبود اعتبار حتی آبرسانی سیار به این مناطق با مشکلات فراوان روبروست.

مردم این روستاها چاره‌ای ندارند جز اینکه با طی مسافت‌های فراوان خود را به چاه‌های آب و چشمه‌های رو باز برسانند و طرف‌های خود را مملو از آبی کنند که هیچ تضمین بهداشتی ندارد و از این آب برای شرب و مسایل بهداشتی و کسب و کارشان استفاده کنند. این روزها کار اصلی زب رودباری در این روستاها این است که ظرف‌ها را روی سر بگذارند و در اطراف روستا برای تهیه آب رهسپار شوند.

یکی از روستاهای شهرستان رودبار جنوب گفت: روستای ما ۲۰ خانوار دارد و به دلیل نداشتن لوله‌کشی آب سال‌هاست برای تامین آب از آب چاه و قنات‌هایی استفاده می‌کنیم که موجب بروز بیماری‌های مسری در بین روستایان شده است. وی ادامه داد: استفاده از آب موتورسو پمپ کشاورزی و آب‌های چشمه‌ها و قنات‌ها در این مناطق برای شرب روستایان به امری عادی تبدیل شده است. محمد زینلی ادامه داد: این چاه‌ها رو باز هستند و هم‌زمان برای شستن لباس، ظرف، کشاورزی، استحمام، دامپروری و هر نیاز دیگری که مردم دارند، استفاده می‌شود. این آب هیچ‌گونه کلر زنی و یاد گذردایی نمی‌شود و زن‌ها و مرد‌های روستا هر روز ظرف‌های خود را برای تهیه آب به این چاه‌ها می‌برند و آب مورد نیاز خود را از آنها تهیه‌می‌کنیم.

یک زن روستایی نیز گفت: از مسوولان می‌خواهم فکری به حال روستایان فاقد آب در جنوب کرمان بکنند، آبی که هم‌اکنون استفاده می‌کنیم شور و غیربهداشتی است که تنها برای پخت غذا و دم کردن چای مناسب است. زهرا تیگدروی ادامه داد: از همین آب برای تمام احتیاج‌ها استفاده می‌کنیم و بارها مردم به دلیل خوردن این آب بیمار شده‌اند و استحمام روستایان هم در محل منابع آبی صورت می‌گیرد.

وی گفت: وقتی آب نباشد، بهداشت هم نیست. وقتی ما آب خوردن را با ظرف از چند کیلومتر آن طرف‌تر می‌آوریم، آن هم از چشمه یا چاهی که امکان دارد به می‌میکروبی آلوده باشد، چگونه می‌توانیم سطح بهداشت را در زندگیمان بالا ببریم. این زن روستایی ادامه داد: بسیاری از مردم برای زندگی بهتر به مناطق دیگر مهاجرت کرده‌اند و جمعیت مناطق روستایی کاهش یافته است، اما تعدادی نیز به دلیل شرایط مالی و زندگی مجبور هستند در همین روستا باقی بمانند به همین دلیل مسوولان باید فکری به حال ما کنند یا حداقل منابع آب در این روستاها احداث کنند و آب را کلرزنی کنند تا بتوانیم آب آشامیدنی سالم استفاده کنیم.



بهار گرمسیر که رنگ یبازد و زردی برشته گندم‌زار که رخ نماید، دل کندن کوچ‌نشینان و بار سفر بستن‌شان آغاز می‌شود به سرزمینی دیگر که بهارش تازه دارد سر از زیر برف زمستانی درمی‌آورد. دلبری و افسونگری‌های سردسیر، با آن طبیعت بهشت‌گونه‌اش خاصه در دامنه‌های زاگرس برای کوچ‌نشینان بیشتر به هوس رازآلودی می‌ماند که تاب تحمل سرمای زمستان‌ش را دارند و نه می‌توانند دل بکنند از تابستان بهاری‌اش، رنج سفر به جان می‌خزد با رویایی هرساله که در طول قرن‌ها نه کهنه می‌شود و نه از یاد می‌رود.

گرمسیر به‌منابه مادری مهربان است برای کوچنده، با گرمای دلنشینی اما آنچه او را وادار به جدایی هرساله از این مادر می‌کند، گویی بیشتر خودمیل به دل کندن است و آونگ شدن میان این وصل و قهر‌را آلود. ورنه کوچنده نیز به مانند دیگر مردمان یکجانشین، این امکان برایش فراهم است که دل بکند از این سفر هرساله و همه عمرش را بی‌توته کند در خانه و مرز عا‌ش. کوچنده باغی است و تن نمی‌تواند به این سکون دهد و بر نمی‌تابد که همه سال را یک‌جا بنشیند، مغرور تر از آن است که مغلوب یک سرزمین، یک چراگاه و یک خانه شود. تجربه‌ای زیست‌شده از این شکل از زندگی اگر نباشد می‌آید، با این همه سختی و مشقتی که به جان می‌خرد.

با مردمان کوچ‌نشین، همسفر و هم‌صحبت اگر شوی این را به روشنی درمی‌یابی. رازآلودی دل‌بستن‌شان به دشواری‌های کوچ شاید مهم‌ترین جنبه این مهاجرت هرساله باشد. با کوه و سنگ و دار و درخت که زندگی اجین شده باشد، لمغمه‌ای از خشونت و زیبایی است و این بنیان زندگی کوچ‌نشینان است.

آغاز بیاباق و دلتنگی برای قشلاق

هنگام درو که برسد، بی‌تابی برای کوچیدن به آن دیار بهشت‌گونه آغاز می‌شود. گاه نیز پیش از درو، بار سفر بسته می‌شود و چندان‌تایی از مردان، بیشتر جوان‌هایی که مجردند،

می‌مانند تا فصل درو و برداشت و انبار کردن ذخیره زمستان.

کار را به انجام که رسانند، راه ایل و قبیله را به سمت بیاباق در پیش می‌گیرند به همراه مقداری از محصول که جیره چند ماه ماندن در بیاباق‌شان است.

اما بار سفر که بسته شود، برای رفتن به سردسیر، تازه دلتنگی‌ها و مویه‌ها برای گرمسیر با آن انقلاب سوزانش شروع می‌شود و بیشتر زمانی که اولین سوز سرمای سردسیر گونه‌ها را بپا‌نواز.

این حسرت در طول این چند ماه ماندن در سردسیر گهگاهی خودی نشان می‌دهد و بیشتر زمانی که سردسیر با آن سرمایی سوزناکش نامرئوت می‌شود و زردی پاییز رخ مدتی پیش بود که عشایر منطقه مهدی‌آباد در شهرستان سیرجان، متوجه شدند بخشی از مراتعی که سال‌ها چرای دام خود را در آنجا انجام می‌دادند، برای ساخت یک کشتارگاه صنعتی واگذار شده است. حالا آنها نه تنها مالکیت عرفی خود را بر بخش زیادی از این مراتع از دست داده‌اند که برای به دست آوردن بخشی از مراتع برای نگهداری و چرای دام خود و ساخت خانه با موانع قانونی روبه‌رو شده‌اند. این یکی از مشکلاتی است که جامعه عشایری استان کرمان و حتی ایران در نقاط مختلف با آن مواجه شده و برای حل آن راه‌های پیش رو را یک به یک طی می‌کند اما ظاهرا راه درازی برای رفع مشکلات عشایر در پیش است.

در موارد دیگری، عشایر با روستایان در مورد عرصه‌ها دچار اختلاف می‌شوند یا مجوز واحدهای

می‌نمایند. رجوع به تکبیت‌هایی که با سوز و گداز خاص کوچ‌نشین‌ها خوانده می‌شود، این را به خوبی نشان می‌دهد. «زرد و بیده بهمنل، سرد و بیده جونم / وور کتین بند بهون

بورین و مکونم»

«بهمن‌ها (نوعی غلف) زرد شدند و سرما جانم را گرفته است/بند چادرها را بکنید و مرا به مکانم برگردانید.»

سفری پرمخاطره و خاطره

با این همه سفر با دلشوره‌ای برآمده از پس مخاطره‌هایش آغاز می‌شود. راه ناهموار است و سفر چنانکه، اما آنچه نتوانسته در طول قرن‌ها چوب لای چرخ این چرخه بگذارد، شاید لذتی باشد که از پس خود این سختی‌ها هویدا می‌شود. یک روز مانده به کوچ زنان همه آنچه را در این سفر چندماهه لازم می‌نماید، با وسواسی خاص در خورچین‌ها جای می‌دهند یا به اصطلاح خودشان «وارسی» می‌کنند. جابرای هیچ چیز اضافایی نیست. هر آنچه نتواند چرخه زندگی را به صورت جدی مختل کند، اضافه می‌کند. برای کوچ‌نشین، لباس بیش از دو دست اضافه است و زنان نیز بیش از این چیزی نیاز نمی‌بینند تا بار سفر را سنگین‌تر کنند. آویزهای بافته‌شده از «میلو» و «هیخک» تنها زیورآلات زنان و دختران هستند با بوی سکرآور مست‌کننده‌شان.

در ساختار قبیله‌ای جایی برای تصمیم شخصی وجود ندارد و جامانده از کوچ به‌نوعی طرد می‌شود با خشونتی به مراتب سخت‌تر از سختی و مشقت راه‌خوشونی از جنسی متفاوت و به‌منابه طرد شدن از قبیله و بی‌پهره شدن از همه آنچه کوچ را به رغم دشواری‌هایش دلپذیر می‌کند. پیران که پای رفتن ندارند، سوار بر الاغ یا اسب هستند و کودکان نیز به فراخور سن‌شان یا در گپ‌وار‌های بر پشت مادر بسته شده‌اند یا در «خورجینی» بر پشت سمندری راهور. این را همه کودکان کوچنده تجربه کرده‌اند و عجیب آنکه هیچ‌گاه خاطره اولین سفر از ذهن‌شان پاک نمی‌شود. زنان در طول سفر کم‌گو و صبور حواس‌شان به همه چیز است. کاری اگر باشد تا آنجا که ممکن است خود

برعهده می‌گیرند، ورنه به مردان می‌سپارند؛ مردانی که در طول سفر کمتر می‌شود خنده را بر لبان‌شان دید. خوشنوی نیز در گفتار و رفتارشان هویدا می‌شود که لازمه این سفر است گویا، راه‌های صعب‌العبور و طاق‌تف‌رسا با گردنه‌ها و یرنگاه‌های گاه هولناک مدیریتی این‌چنین را نیز می‌طلبد و همه نیز

سرزمین



عکس: اسحاق آقا‌ئی

عشاير باز می‌گردند

کوچ؛ جنگ و صلح با طبیعت

عبدالنبی جنتی‌نژاد/کهنگیلویه و بویراحمد

گوش به فرمان هستند. این سفر چیزی کمتر از مبارزه نیست. جنگیدن با طبیعتی وحشی که کم اگر بیابوری، ممکن است به قیمت از دست دادن جانی تمام شود. در این میان اما گهگاه راه هموار تر که می‌شود صدای «یاربار» مردان در کوه و کمر می‌پیچد و هرچند حزن‌آلود، اما همه را سر شوق می‌آورد و از پس این، خستگی راه کمتر می‌نماید. «یاربار» تکبیتی‌هایی است که در طول قرن‌ها کوچ و سختی‌هایش صیقل خورده‌اند و گویای ظرفیت‌رین و تاب‌ترین احساسات یک کوچنده است. گاه در فراق یار است و گاه وعده دیدار یار در انتهای سفر و گاه نیز شکوایه از روزگار است اما در همه آنها رد پای از طبیعت را می‌توان یافت: طبیعتی که با تار و پود زندگی کوچ‌نشینان گره خورده‌است.

«تو برف زهی‌ه کم‌ری مو چوپل پاتم / تو کم‌کم بالا ابروی مو و جوی تو ماتم» «تو برف نشسته بر لب کوه و کم‌ری، من هم چوپل (گیاهی خوشبو و سردسیری) نشسته به پای تو / تو کم‌کم به بالا می‌روی و من به جای تو مات و مهیوتم»

زنان و دختران نیز می‌خوانند، بیشتر شروه و به یاد عزیزان از دست‌رفته و به نجوا. لالایی را اما بلندتر می‌خوانند و نه‌فقط به وقت خواب که هر گاه دل‌شان گرفته باشد یا دلی داده باشند. کوچ معمولاً یک‌روزه نیست. چند روزی طول می‌کشد تا به بیلاق برسند. عصر اولین روز کوچ اولین اتراق شکل می‌گیرد. بارها توسط مردان انداخته می‌شود. دختران در پی می‌هیزم می‌روند و زنان نیز در پی آماده کردن غذا. غالباً در اولین اتراق برای سر بریده می‌شود بی‌آنکه آیینی خاص در نظر باشد و بیشتر برای آیینی خاص در نظر باشد و بیشتر برای قوت گرفتن برای ادامه راه. خستگی راه اگر اجازه دهد آنگوشتی بار گذاشته می‌شود ورنه شام کبابی است روی آتش و زیز نور ماه. شب‌نشینیهایی کوچ‌نشینان صفایی خاص دارد و بیشتر به گپ و گفت و واگویی سفر می‌گذرد و خواندن «یاربار» مردان. پیران به ذکر خاطره‌های شیرین گذشته از کوچ و شکار و گاه جنگ‌ها می‌پردازند و مارنیزگر‌ها نیز «صل‌های هزار بار

گفته‌شده را برای کودکان بازگویی می‌کنند. خروس‌خوان دومین روز سفر بارها دوباره بسته می‌شود و سفر ادامه می‌یابد و عصر همان روز اتراقی دوباره تا خروس‌خوانی دیگر و سفری دیگر، «ورد» یا «وار» به محل اتراق دائمی کوچ‌نشینان می‌گویند و محل برپا کردن گه‌تشدۀ را برای کودکان بازگویی می‌کنند.

خروس‌خوان دومین روز سفر بارها دوباره بسته می‌شود و سفر ادامه می‌یابد و عصر همان روز اتراقی دوباره تا خروس‌خوانی دیگر و سفری دیگر، «ورد» یا «وار» به محل اتراق دائمی کوچ‌نشینان می‌گویند و محل برپا کردن گه‌تشدۀ را برای کودکان بازگویی می‌کنند.

چراگاه عشایر مهدی آباد کشتار گاه صنعتی شد

وحید قرا‌یی/کرمان

کرمان است و به عنوان مسوول مجمع معتمدین عشایر ایران در استان کرمان نیز فعالیت کرده است با اشاره به اینکه کشورمان در حال پیشرفت و توسعه است و اکثر عرصه‌هایی که به تولید و اشتغال و صنعت و معدن اختصاص می‌یابد عرصه‌های عشایری است، عنوان می‌کند: در گذشته وقتی زمین‌هایی برای کشاورزی یا توسعه صنعتی و معدنی واگذار می‌شده وضعیت عشایر در نظر گرفته نمی‌شد یا زمانی که محیط‌زیست و منابع طبیعی عرصه‌ای را قرق می‌کردند، عشایر به عنوان بهره‌بردار دیده نمی‌شدند.

وی تصریح می‌کند: در حال حاضر اکثر معدانی که در استان کرمان به بهره‌برداری می‌رسند در مراتع عشایری است و حق عشایر نیز در این موارد بسیار ضعیف دیده شده و بیشترین مشکلات عشایر نیز در استان کرمان همین معادن است که در عرصه‌ها و مراتع دایمی آنهاست چراکه ما یک فرهنگ غنی و ذخیره بزرگ اجتماعی و یک روحیه سلحشوری را با این کار از میان می‌بریم. یکجانشینی با روحیه عشایر سازگار نیست و نمی‌توانند خود را با آن وفق دهند و روحیه خاص آنها را از بین می‌برد و در نهایت خیلی از آنها با این

گزارش کوتاه

خشکسالی یاقوت سرخ یزد را غارت کرد

■ **مهر:** دانه‌های سرخ و یاقوتی هر سال در چنین فصلی از سال زیر پوست انار بر درختان خودنمایی می‌کرد اما خشکسالی به غارت این یاقوت‌ها آمده و تالارو این گوهر بهشتی را ربوده است.

استان یزد را چهارمین تولیدکننده انار در کشور می‌شناسند و انار یزد به‌ویژه انار تفت و مهریز از شهرت و کیفیتی بسیار بالا برخوردار بود. استان یزد با وجود اقلیم گرم و خشکی که دارد، از لحاظ کشاورزی و تولید بسیاری از محصولات زراعی و باغی در کشور از رتبه خوبی برخوردار است که تولید انار نیز در این زمره قرار دارد.

گرچه خشکسالی و سرمازدگی دو آفت مهم درختان انار شدند و سبب شد بسیاری از کشاورزان ناچار به کف‌بری درختان و کاشت نهال‌های جدید انار شدند اما هنوز هم در برخی باغات یزد کیفیت انار یزد در نوع خود بی‌نظیر است. این استان در حال حاضر خشکسالی را پشت سر می‌گذارد و بسیاری بر این باورند که وقوع و استمرار این پدیده، عملکرد در هکتار محصولات کشاورزی را تا حد زیادی پایین آورده است و انار نیز به عنوان یکی از اصلی‌ترین محصولات باغی استان یزد، اکنون بافت میزان تولید مواجه است. انار یزد علاوه بر کاهش محصول، دچار افت کیفیت شده و دیگر از انارهای آبدار و درشت یزدی خبری نیست. علاوه بر کاهش تولید، محصولات باقی‌مانده نیز دچار افت شدید کیفیتی شده‌اند و دیگر از انار درشت و آبدار سابق یزد، خبری نیست و باغ‌های معدودی هستند که هنوز هم می‌توانند انار با کیفیت به بازار عرضه کنند.

سال‌های ۸۶ و ۸۷ بدترین سال‌ها برای درختان انار یزد بود؛ زیرا تابستانی گرم و دوره طولانی خشکسالی و بی‌آبی و زمستانی سرد را پشت سر گذاشتند و دچار خشکی از یک سو و سرمازدگی از سوی دیگر شدند. همین امر سبب شد تا در بسیاری از نواحی استان یزد به‌ویژه شهرهای مهریز و تفت که عمده تولیدکننده محصول انار هستند، درختان انار کفبر شوند. مدیر باغبانی جهاد کشاورزی استان یزد در این زمینه اظهار داشت: خساراتی که خشکسالی و سرمازدگی سال ۸۶ به باغات انار وارد کرد، قابل جبران نیست زیرا باروری دوباره درختان کف بر شده باغ‌ها به دلیل سرمازدگی زمستان ۸۶ پنج سال طول می‌کشد. محمدرضا ابراهیمی افزود: کل باغات استان یزد شش‌هزار و ۲۱۵ هکتار است که حدود پنج‌هزار و ۷۰۰ هکتار آن مختص انار است. وی عنوان کرد: طی سال‌های اخیر ۹۰۰ هکتار از باغات انار یزد کف بر شدند و



تولید انار در این استان از سال‌های ۸۷ و ۸۸ به نسله‌ها بیش از ۵۰درصد کاهش یافت و خسارات شدیدی به کشاورزان وارد کرد. ابراهیمی خسارت سرمازدگی سال ۸۶ به درختان انار را ۸۲میلیارد و ۱۶۰میلیون تومان اعلام کرد و افزود: این خسارت در حالی به کشاورزان انارکار یزد وارد شد که اکثر آنها زیر پوشش بیمه محصولات کشاورزی نبودند. خسارت سرمازدگی به درختان انار در سال ۸۶ به بیش از ۸۲میلیارد رسید و این میزان خسارت در حالی گریبانگیر کشاورزان یزدی شد که محصول سال گریبانگیر کشاورزان انارکار شد، بلکه تا پنج سال پس از کف‌بری درختان نیز هیچ محصولی عاید آنها نمی‌شود زیرا باروری نهال انار حداقل به پنج سال زمان نیاز دارد. پس از سرمازدگی، این بار خشکسالی در کمین درختان انار نشسته و امسال خسارات قابل‌توجهی به کشاورزان وارد کرده است

زیرا بسیاری از درختان یا به طور کامل خشک شده‌اند یا میزان محصول آنها بین ۲۰ تا ۵۰درصد کاهش یافته است. بسیاری از درختان باقی مانده نیز دیگر انارهای درشت سال‌های گذشته را تولید نمی‌کنند و به همین دلیل رونق صادرات انار که سالانه ۳۰درصد از آن به کشورهای مختلف آسیایی

و اروپایی می‌رفت، از بین رفت. مدیر امور باغبانی جهاد کشاورزی در مورد محصول امسال انار استان یزد نیز اظهار داشت: پیش‌بینی می‌شود تولید انار امسال با کاهش ۲۰درصدی روبه‌رو باشد و در برخی نقاط این میزان کاهش بیشتر خواهد بود و حتی به ۵۰درصد نیز می‌رسد. ابراهیمی افزود: در حال حاضر شش‌هزار و ۹۰۰ هکتار سطح زیر کشت انار است که از این میزان پنج‌هزار و ۹۷۰ هکتار انار بارور و بقیه غیربارور است. وی عنوان کرد: قرمز یزد اشاره کرد، برای بازاربازر شدن انار یزد، پس از کف‌بری درختان باغات، نهال‌هایی از سایر مناطق کشور از جمله ساوه به این استان وارد شد که با آغاز محصول دهی بازار صادرات خوبی خواهند داشت.